

Governance Model in the Islamic Republic of Iran

M. Dehshiri

Professor of Political Science, Faculty Member of the School of International Relations, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

Zahra Nourine

PhD student in French Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: znourine@gmail.com

Abstract

The present study examines the governance model of the Islamic Republic of Iran, which—grounded in divine, monotheistic, and justice-oriented principles—seeks to articulate the defining features of ideal governance within the Islamic framework. The primary objective of this paper is to identify the key indicators of the Islamic governance model in relation to contemporary theories of governance and to propose a conceptual framework for achieving smart governance through the adoption of emerging technologies. Accordingly, the central research question addressed is as follows: What are the distinctive characteristics of the governance model in the Islamic Republic of Iran, and how can it sustain efficiency and adaptability at both the national and global levels while upholding its religious foundations? Methodologically, this research employs a qualitative, analytical–descriptive approach, drawing upon content analysis of theoretical literature and official documents. The findings suggest that the governance model of the Islamic Republic synthesizes religious, ethical, and instrumental rationalities, with a strong emphasis on public participation, justice, adaptability, and knowledge-based policymaking. Moreover, in pursuit of advancing a new Islamic civilization, the model necessitates the integration of modern technologies—particularly artificial intelligence—to enhance the efficiency and responsiveness of decision-making systems.

Keywords: Governance Model, Religious Democracy, Religious Rationality, Justice, New Islamic Civilization



الگوی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

محمد رضا دهشیری

استاد علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین‌الملل، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

زهرا نورین

دانشجوی دکتری مطالعات فرانسه، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: znourine@gmail.com

چکیده

موضوع این مقاله بررسی الگوی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران است که با تکیه بر مبانی الهی، توحیدی و عدالت‌محور، به تبیین ویژگی‌های حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی می‌پردازد. هدف از نگارش مقاله، تبیین شاخص‌های الگوی حکمرانی اسلامی در نسبت با نظریه‌های مدرن حکمرانی و ارائه چهارچوبی برای تحقق حکمرانی هوشمند مبتنی بر فناوری‌های نوین است. در این راستا، مقاله به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهد که الگوی حکمرانی در جمهوری اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه می‌تواند با حفظ اصول دینی، کارآمدی و روزآمدی خود را در عرصه ملی و جهانی حفظ کند. روش تحقیق کیفی - تحلیلی و توصیفی است و از تحلیل محتوای اسناد و متون نظری بهره می‌گیرد. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که الگوی حکمرانی جمهوری اسلامی ترکیبی از عقلانیت دینی، اخلاقی و ابزاری است که بر مشارکت مردم، عدالت، اقتضامندی و دانش‌بنیانی تکیه دارد و در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، نیازمند بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، برای ارتقای کارآمدی نظام تصمیم‌گیری است.

کلیدواژه‌ها: الگوی حکمرانی، مردم‌سالاری دینی، عقلانیت دینی، عدالت، تمدن نوین اسلامی



مقدمه و بیان مسئله

در گذشته، قدرت حکمرانی در ایران متمرکز و اداره کشور تابع سلسله‌مراتب اداری حاکمان بود. با آغاز مشروطه، تلاش‌هایی برای محدود کردن قدرت مطلقه شاه و افزایش نقش مردم در اداره کشور شکل گرفت و مفهومی نوین از حکمرانی مبتنی بر قانون و مشارکت مردم مطرح شد؛ اما در دوران پهلوی تمرکز قدرت مجدداً افزایش یافت و نهادهای دولتی تحت کنترل شدید حاکم قرار گرفتند. در مجموع، ویژگی‌های اصلی حکمرانی پیش از انقلاب در ایران شامل تمرکز قدرت، سلسله‌مراتب اداری قوی، توجه به توسعه نهادهای دولتی و محدود بودن مشارکت عمومی بود؛ اما با ظهور جمهوری اسلامی، این ویژگی‌ها دچار تحولی بنیادین شدند. نظام جدید، در عین حفظ نقش حاکمیت و ساختار اداری، تأکید خود را بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، اخلاق و ارزش‌های دینی قرار داد و مشارکت مردم و پاسخ‌گویی نهادهای حکومتی را به‌عنوان محور اصلی حکمرانی تعریف کرد. این تحول نشان داد که اداره کشور دیگر صرفاً مبتنی بر تمرکز قدرت و سلسله‌مراتب اداری نیست، بلکه بر فرایندهای تصمیم‌گیری، هماهنگی میان نهادها و تعامل دولت با مردم و جامعه مدنی استوار شده و تلاش دارد شفافیت، عدالت و کارآمدی را هم‌زمان تأمین کند.

بر این اساس، پرسش اصلی تحقیق این است که الگوی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه می‌تواند هم اصول دینی را حفظ کند و هم کارآمد، انعطاف‌پذیر و روزآمد باقی بماند. هدف این تحقیق تبیین مبانی و شاخص‌های حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران و بررسی سازوکارهای هماهنگی میان اصول دینی و الزامات مدرن حکمرانی است و درنهایت چهارچوبی برای تحقق حکمرانی هوشمند و دانش‌بنیان ارائه می‌دهد. فرضیه تحقیق بر این اساس است که الگوی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران ترکیبی از عقلانیت دینی، اخلاقی و ابزاری است که با تکیه بر مردم‌سالاری دینی، عدالت و دانش‌بنیانی، در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی حرکت می‌کند و می‌تواند ساختار تصمیم‌گیری و اداره امور عمومی را به شیوه‌ای کارآمد و انعطاف‌پذیر مدیریت کند.

۱. پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهشی مرتبط با حکمرانی را می‌توان در چهار محور اصلی طبقه‌بندی کرد:

❖ محور اول: آثار با رویکرد ترجمه‌ای - توصیفی



آثاری که رویکرد ترجمه‌ای-توصیفی دارند، عمدتاً به معرفی حکمرانی، ویژگی‌ها و شاخص‌های آن که از سوی بانک جهانی و سازمان ملل ارائه شده است، می‌پردازند. این آثار معمولاً به تحلیل و جمع‌بندی مدل‌های بین‌المللی حکمرانی خوب می‌پردازند و می‌توانند زمینه لازم برای طراحی مدل‌های بومی و تطبیقی فراهم کنند.

یکی از نمونه‌های برجسته این محور، مقاله مهرداد کیانپور با عنوان: «ارزیابی مدل حکمرانی خوب و پیشنهاد مؤلفه‌های مدل حکمرانی اسلامی» (۱۳۹۵) است. این اثر با روش تحلیل اسنادی به معرفی مدل‌های جهانی حکمرانی و شاخص‌های آن‌ها پرداخته و سپس شاخص‌های حکمرانی اسلامی را پیشنهاد می‌دهد. هدف پژوهش، ارائه چهارچوب بومی با تأکید بر عدالت، اخلاق و شریعت است. نقاط قوت اثر شامل جمع‌بندی دقیق مدل‌های بین‌المللی و ارائه چهارچوب نظری بومی است؛ اما ضعف آن در محدودیت داده‌های تجربی و نیاز به آزمون عملی شاخص‌ها است. نوآوری مقاله حاضر تلفیق شاخص‌های جهانی با ارزش‌های اسلامی و ارائه چهارچوب عملیاتی برای ارزیابی عملکرد دولت است.

♦ محور دوم: آثار با رویکرد تهذیبی

آثاری که با رویکرد تهذیبی تدوین شده‌اند، به تحلیل نظریه حکمرانی خوب بر اساس اندیشه اسلامی می‌پردازند و تلاش می‌کنند شاخص‌های حکمرانی خوب را در پرتو آیات و روایات مستندسازی کنند. این رویکرد نشان می‌دهد که اندیشه اسلامی قابلیت ارائه چهارچوب نظری مستقل و غنی برای حکمرانی را دارد.

کتاب «حکمرانی شایسته از منظر قرآن کریم» اثر محمدجواد ارسطا و همکاران (۱۳۹۱) نمونه‌ای از این محور است. این اثر با تحلیل اسنادی، شاخص‌های حکمرانی خوب را بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه استخراج می‌کند و هدف آن ارائه چهارچوب نظری اسلامی برای حکمرانی است. نقاط قوت شامل استناد به منابع دینی معتبر و تحلیل شاخص‌ها در چهارچوب قرآن و نهج‌البلاغه است؛ اما ضعف اثر محدودیت در ارائه شاخص‌های عملیاتی برای دولت است. نوآوری مقاله حاضر، علاوه بر تحلیل نظری، طراحی شاخص‌های بومی و عملیاتی اسلامی برای ارزیابی عملکرد دولت و تأثیر آن‌ها بر توسعه پایدار است.

♦ محور سوم: آثار با رویکرد ابداعی

آثاری که به رویکرد ابداعی می‌پردازند، کوشیده‌اند نگرشی نوین نسبت به حکمرانی داشته باشند. تجربه کشورهای غربی نشان داده است که مدل‌های توسعه و حکمرانی

آن‌ها قادر به حل مشکلات کشورهای اسلامی نیستند و ممکن است منجر به بحران شوند. این آثار با نگاه کلان در سه سطح مبانی، ساختار و کار ویژه‌ها، به تولید و تبیین الگوی قرآنی حکمرانی مطلوب پرداخته‌اند.

مقاله «طراحی الگوی حکمرانی اسلامی مبتنی بر تعالیم دینی» نوشته حسن رنگریزی (۱۴۰۲) نمونه‌ای از این محور است. این پژوهش با روش کیفی و مصاحبه با ۱۴ نفر از خبرگان دانشگاهی، در سه سطح مبانی، ساختار و کار ویژه‌ها، الگوی حکمرانی اسلامی را تبیین می‌کند. نقاط قوت اثر شامل نگاه جامع و استفاده از دیدگاه خبرگان است و ضعف آن محدودیت داده‌های تجربی و نبود شاخص‌های عملیاتی برای ارزیابی عملکرد است. مقاله حاضر با الهام از این اثر، علاوه بر تبیین سه سطح، شاخص‌های عملیاتی و بومی ارائه می‌دهد که امکان سنجش و ارزیابی عملیاتی مدل حکمرانی را فراهم می‌کند و به چالش‌های اجرایی آن توجه دارد.

♦ محور چهارم: آثار مرتبط با حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

آثاری که به مقوله حکمرانی در انقلاب اسلامی ایران پرداخته‌اند، برخی با رویکرد انتقادی کاستی‌های حکمرانی را بازشناسی کرده‌اند و برخی دیگر با تحلیل ایجابی، نکات مثبت شیوه حکمرانی پس از انقلاب را تبیین کرده‌اند. با این حال، کمتر اثری به بررسی جامع الگوی حکمرانی پس از انقلاب پرداخته است و پژوهش حاضر تلاش می‌کند این خلأ را تا حدودی مرتفع کند.

مقاله «الگوی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» اثر آذربایجانی (۲۰۲۳) نمونه‌ای از این محور است. این مقاله با تحلیل اسنادی، مبانی نظری و اصول حاکم بر بیانیه گام دوم انقلاب را بررسی کرده و مدل حکمرانی اسلامی مبتنی بر آموزه‌های دینی و انقلابی ارائه می‌دهد. نقاط قوت شامل تحلیل جامع مبانی نظری و ارائه مدل مبتنی بر آموزه‌های دینی است و ضعف آن عدم ارائه شاخص‌های عملیاتی و محدودیت در بررسی چالش‌های اجرایی است. نوآوری مقاله حاضر، ارائه شاخص‌های عملیاتی و بومی برای ارزیابی عملکرد دولت در ایران و توجه به چالش‌های اجرایی مدل است.

پژوهش‌های حکمرانی در چهار محور قابل تقسیم هستند. محور اول ترجمه‌ای و توصیفی است که به شناخت مفاهیم پایه و شاخص‌های بین‌المللی می‌پردازد. محور دوم تهذیبی است و بر تبیین نظریه اسلامی تأکید دارد. محور سوم ابداعی است و در طراحی مدل جامع حکمرانی اسلامی نقش دارد. محور چهارم تمرکز بر جمهوری



اسلامی ایران است و به تحلیل و ارائه مدل‌های بومی در شرایط ملی می‌پردازد. پژوهش حاضر با تلفیق این چهار رویکرد، الگویی از حکمرانی جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهد که شاخص‌های بین‌المللی و آموزه‌های اسلامی را لحاظ کرده و شاخص‌های عملیاتی قابل‌سنجش برای ارزیابی عملکرد دولت را فراهم می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

حکمرانی مقوله‌ای میان‌رشته‌ای و دارای مفهومی پیچیده است. حکمرانی در لغت به معنای حکم‌فرمایی، حکومت و فرمانروایی و به‌کارگیری سلطه است (معین، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۳۶۷). حکمرانی ناظر به فرایند اداره جامعه، چگونگی کاربرد قدرت و نحوه روابط دولت و شهروندان (افراد و گروه‌ها) است. بانک جهانی در سال ۱۹۹۶ شاخص‌هایی مانند حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، کارایی و کنترل فساد را برای حکمرانی ارائه کرد (شریفی، سجادیه و ترابی، ۱۳۹۲). سازمان ملل نیز حکمرانی را اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری برای اداره امور کشور در همه سطوح می‌داند و شاخص‌هایی چون مشارکت، رضایت، پاسخ‌گویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، سودمندی، انصاف و اجماع‌محوری را مطرح می‌کند. حکمرانی متفاوت از حکومت است. حکمرانی چندلایه و افقی است و بر هم‌افزایی سیاست، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع تأکید دارد، درحالی‌که حکومت بیشتر عمودی، متمرکز و اقتدارگرا است (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰؛ نوبری و رحیمی، ۱۳۸۹؛ برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸). حکمرانی بر فرایند تصمیم‌گیری، شیوه کاربرد قدرت و تعامل دولت با شهروندان تأکید دارد و توافق بین اولویت‌ها و سلايق متضاد را برقرار می‌کند. در فضای حکمرانی، دولت نقش تنظیم‌گر دارد و روابط یک‌جانبه جای خود را به تعامل چندجانبه بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی می‌دهد (Fukuyama, 2013).

بدین ترتیب، حکمرانی دارای دو ویژگی اساسی است: نخست، افقی بودن روابط که در آن دولت در کنار سایر نهادها قرار گرفته و نقش تنظیم‌گر و تسهیلگر تعامل میان کنشگران غیردولتی را ایفا می‌کند و دوم، تأکید بر فرایند تصمیم‌گیری که در آن تصمیم‌ها بر پایه تعامل میان بازیگران با سلايق و اولویت‌های گوناگون شکل می‌گیرد و در نتیجه، هماهنگی، کارآمدی، رواداری و توسعه‌یافتگی حاصل می‌شود.

۳. چهارچوب مفهومی

الگوی حکمرانی سکولار بر نگرشی تک‌بعدی به انسان استوار است که به جنبه‌های مادی دنیوی توجه دارد و سیاست را ابزار تحکیم قدرت مادی می‌داند؛ در این الگو، بعد ملکوتی و روحی انسان و آموزه‌های معرفتی و وحیانی نادیده گرفته می‌شود. در مقابل، الگوی حکمرانی الهی مبتنی بر توحید، عدالت و ارزش‌های دینی است و با توجه به ابعاد مادی و معنوی انسان، غایت خود را در نیل جامعه به کمال نهایی و سعادت حقیقی می‌جوید. در این الگو، افزون بر رفاه و پیشرفت دنیوی، بسط و تثبیت باورها و ارزش‌های دینی هدف اصلی حکمرانی است. حکمرانی دینی از آن رو با فطرت انسان انطباق دارد که بر عدالت، عقلانیت، معنویت و ارزش‌های فطری تأکید می‌کند. در حکمرانی متعالی، سیاست‌گذاری از مبدأ توحیدی آغاز شده و به هدف نهایی قرب الهی و سعادت دنیا و آخرت ختم می‌شود؛ این الگو فضیلت‌محور است و علاوه بر دانش و تجربه، بر معرفت‌های وحیانی و عقلانی تکیه دارد (یاقوتی، ۱۴۰۲: ۲۹۳-۲۶۷).

نظریه حکمرانی الهی بر این پیش‌فرض استوار است که اسلام دینی سیاسی و دارای نظامات حکومتی است. در این نظریه، حکمرانی حاصل تعامل چهار مؤلفه اصلی یعنی کارگزار، مردم، ایده حکمرانی و ساختار است که در سه بُعد معرفتی (علم)، گرایشی (عدالت‌ورزی) و توانایی (کارآمدی) تحقق می‌یابد. برهم‌کنش این ابعاد، ماتریس حکمرانی اسلامی را پدید می‌آورد که با رویکردی غایت‌گرا، انسان را از سطح مادی به تعالی و سعادت رهنمون می‌سازد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این مقاله کیفی و تحلیلی-توصیفی است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده و با استفاده از تحلیل محتوای متون نظری، اسناد رسمی و آثار پژوهشی مرتبط با حکمرانی اسلامی و جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. در این روش، ابتدا مبانی نظری حکمرانی و تفاوت آن با حکومت تحلیل شده، سپس با رویکرد تطبیقی و استنباطی، شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوی حکمرانی در جمهوری اسلامی استخراج و در نسبت با نظریه‌های مدرن حکمرانی تحلیل گردیده است. هدف از این رویکرد، تبیین چهارچوب مفهومی و ترسیم الگویی بومی و کارآمد از حکمرانی اسلامی است که بتواند مبانی دینی را با الزامات روز و فناوری‌های نوین تلفیق کند.



۵. ویژگی‌های الگوی حکمرانی در جمهوری اسلامی

حکمرانی به‌عنوان فرایند راهبری قدرت که از نقطه‌ای آغاز و به نقطه دیگر ختم می‌شود تا جامعه مطلوب و آرمانی را ترسیم کند، دارای دو الگوی کلان توحیدی و دنیاگرایانه است. آنچه موجب تمایز حکمرانی‌ها می‌شود درون‌مایه و بنیان‌های فکری آن‌ها است. این تمایز در فکر در دو نوع حکمرانی سکولار و الهی تجلی پیدا می‌کند.

در این رهگذر، انقلاب اسلامی ایران مدلی را عرضه کرد که بر اولویت حکمرانی به‌جای حکومت استوار بود. این تفکر برخاسته از اندیشه امامت است که شیوه حکمرانی را مهم‌تر از حکومت (مبتنی بر اطاعت‌پذیری از حاکم در اندیشه خلافت) می‌داند. امامت به‌عنوان «زعامت عام در تمامی ابعاد دین و دنیای مردم اعم از بیان احکام، اجرای حدود، اداره جامعه، ایجاد عدالت اجتماعی، جنگ و صلح برای شخص معینی از انسان‌ها به نیابت و جانشینی از پیامبر(ص)^۱ بیشتر ناظر به شیوه حکومت‌داری است که بر فرایند تدبیر جامعه برمدار مبانی فکری در جهت مصالح مادی و معنوی جامعه با بهره‌گیری از چهار مؤلفه حکمران، ایده حکمرانی، مردم و ساختار استوار است. البته انقلاب اسلامی ایران تلاش کرد با بهره‌گیری از این الگو و روزآمدسازی آن، هم‌زمان با برقراری سازگاری بین سنت و مدرنیته، مدلی مشارکتی، عقلانی، ترکیبی، درون‌زا، تاب‌آور و تعامل‌گرا، معنوی و ارزش‌مدار، چندوجهی و متکثر، پویا، هوشمند، روزآمد و شبکه‌ای را مبتنی بر معاصرت و نواندیشی تمدنی عرضه کند. در ادامه باهدف بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر الگوی حکمرانی در ایران، به تبیین ویژگی‌های الگوی حکمرانی پس از انقلاب اسلامی ایران پرداخته می‌شود:

۵-۱. الگوی حکمرانی مشارکتی؛ پیوند دین و دموکراسی

الگوی حکمرانی مشارکتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است که بر پیوند دین و دموکراسی و نیز پیوند سیاست و معنویت و سرانجام اعتماد متقابل مردم و حاکمیت سیاسی تأکید می‌کند و بر کنش‌مندی نیروهای اجتماعی و مشارکت شهروندان در تصمیمات عمومی از طریق فرایندهای انتخاباتی و تسهیل فعالیت نهادهای مدنی استوار است. این نوع از حکمرانی زمینه را برای نقش‌آفرینی مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی کشور فراهم می‌کند و بر بینش و برداشتی از اسلام در عرصه حیات اجتماعی تأکید دارد که با موازین بنیادین جمهوریت سازگار باشد. حکمرانی مشارکتی

۱. ریاسة عامّة فی امور الدین والدّنیاء لِشَخْصٍ مِنَ الْأَشْخَاصِ نِیَابَةً عَنِ النَّبِیِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

یعنی مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود از طریق انتخابات، تلاش نظام سیاسی برای پیوند با مردم و کسب رضایت عمومی با حکمرانی خیرخواهانه. امام خمینی با تبیین مشروعیت دینی و مقبولیت مردمی منبعت از آرای مردم، بر لزوم برخورداری حاکمیت از پشتوانه مردمی و عدم جواز تحمیل رأی بر مردم تأکید داشتند. از نظر امام خمینی، مردم واقعاً جایگاه مهمی دارند. در این الگوی حکمرانی کارگزاران خادم مردم‌اند (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹: ۱۰۳)؛ امام خمینی، ۱۳۷۳: ۲۰۱-۲۰۰).

در این رهگذر، امام خمینی با پایه‌گذاری مردم‌سالاری دینی، در پی وقوع انقلاب اسلامی، الگوی حکمرانی مبتنی بر پیوند دین و دموکراسی را نهادینه کرد. در این الگو، منطق اداره امور بر پایه دستورات الهی و دینی و نظرات و آرای مردم شکل می‌گیرد و حکومت موظف است که راه سعادت دنیوی و اخروی را در جامعه نهادینه کند؛ بنابراین قدرت و شیوه اعمال آن در نظام مردم‌سالاری دینی، برگرفته از مبانی مشروعیت بخش این نظام حکومتی است. در چنین نظامی، قدرت سیاسی با هنجارها پیوند خورده و راه‌های ارتباطی ملت با حکومت و مکانیسم اعمال اراده ملت با نظام انتخاباتی موجود گشوده است. در حکمرانی مطلوب اسلامی، مهم‌ترین وظیفه حکومت خدمت به جامعه است. حکمرانی مردم پایه از الزامات تدبیر اعمال حاکمیت در نظام اسلامی است. در این حکمرانی مشارکتی، انتخابات آزاد، رقابتی و تأثیرگذار برای استقرار قدرت و سامان حکمرانی و سیاست ورزی نظارت‌شده و کاردان و پاسخ‌گو، مطلوبیت دارد؛ به‌گونه‌ای که تصمیم‌گیرنده اصلی و نهائی خود مردم باشند و حاصل آن، نهاد و نهادهایی متعلق به مردم، مسئول و پاسخ‌گو در برابر مردم و حرکت‌کننده به‌سوی آنچه به مصلحت و منفعت مردم است باشد.

این نوع حکمرانی بر مشارکت عمیق و دموکراتیک شهروندان در تصمیمات عمومی از طریق انتخابات تمرکز دارد و ایده پشتیبان آن این است که شهروندان باید نقش مستقیم‌تری را در تصمیمات عمومی داشته باشند، یا حداقل در مسائل سیاسی عمیق‌تر دخیل شوند. در عمل، این نوع حکمرانی می‌تواند مکمل نقش شهروندان، به‌عنوان رأی‌دهنده و ناظر کارکردهای دولت باشد. واژه مشارکتی^۱ بر مشارکت دولت با شهروندان دلالت دارد. به‌طور خلاصه می‌توان اظهار داشت که این نوع حکمرانی با شناسایی سازوکارهایی برای نقش‌آفرینی مؤثر مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی و

^۱Participatory



تصمیمات عمومی و تسهیل زمینه‌های فعالیت مردم و نهادهای مدنی؛ امکان تحقق و اجرایی شدن خواهد داشت (McNulty & Wampler, 2015, pp. 1-14).

این نوع حکمرانی مشارکتی در چهارچوب نظام مردم‌سالاری دینی بر پیوند مردم و حاکمیت و کنش‌مندی نیروهای اجتماعی و مشارکت شهروندان در تصمیمات عمومی از طریق فرایندهای انتخاباتی و تسهیل فعالیت نهادهای مدنی استوار است. امام خمینی با مطرح کردن مدل جمهوری اسلامی تلاش کرد اسلامیت نظام را در قالب نظام سیاسی متناسب با شرایط زمان و مکان محافظت نماید. از آنجاکه حکومت اسلام حکومت قانون است تشکیل حکومت جز به رضایت مردم و رعایت رأی و نظر شهروندان در حکومت ممکن نیست. این نوع از حکمرانی که بر پیوند دین و دموکراسی و نیز پیوند سیاست و معنویت و سرانجام اعتماد متقابل مردم و حاکمیت سیاسی تأکید می‌کند زمینه را برای نقش‌آفرینی مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی کشور فراهم می‌کند و با رویکرد کثرت‌گرا بر کسب رضایت عمومی در چهارچوب حکمرانی خیرخواهانه اصرار داشت، به‌گونه‌ای که شهروندان هم رأی‌دهنده و هم ناظر بر عملکرد حاکمیت سیاسی هستند. در این نوع حکمرانی سازوکارهایی برای نقش‌آفرینی مؤثر مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی و تصمیمات عمومی و تسهیل فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد یا نهادهای غیردولتی و جامعه مدنی وجود دارد (میرباقری و عبدی، ۱۴۰۱: ۲۳-۲۴).

۲-۵. الگوی حکمرانی عقلانی؛ مؤلفه‌های عقلانیت موسّع

الگوی حکمرانی عقلانی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر عقلانیت موسّع است؛ بدین معنا که عقلانیت در این الگو صرفاً ابزاری و معطوف به کارکردهای مادی نیست، بلکه مجموعه‌ای از عقلانیت‌های غایی، اخلاقی، ابزاری، انتقادی، ارتباطی، اقتضایی و جمعی را در خود جای می‌دهد. چنین نگاهی، نوعی پیوند میان جهان‌شمولی عقلانیت‌های الهی و اخلاقی با نسبیت عقلانیت‌های ابزاری و موقعیتی برقرار می‌کند و بر اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط تأکید دارد.

عقلانیت غایی یا هستی‌شناختی به معنای در نظر گرفتن حقیقت واحد الهی به‌عنوان ناظر بر همه امور و توجه به‌غایت جهان خلقت است. در این چهارچوب، اندیشه انقلاب اسلامی ایران الگویی بدیل در برابر هیچ‌انگاری مدرنیسم و پسامدرنیسم ارائه کرد؛ الگویی که هدف آن، سعادت دنیوی و اخروی انسان است. بنیان حکمرانی در انقلاب اسلامی بر ارزش‌ها و فضایل الهی چون رستگاری، عدالت و پیشرفت استوار

است. امام خمینی^(ع) با تأکید بر نظریه انسان کامل و سیره پیامبر اکرم^(ص)، سیاست را عرصه تحقق فضیلت‌های انسانی و اسلامی می‌داندست و میان حق و مسئولیت، توازن برقرار می‌کرد. از این رو، راز موفقیت اندیشه ایشان در اصالت ارزش‌ها، پیوند اندیشه و عمل و قابلیت الگوسازی عملی نظام اسلامی نهفته است (Sijuwade, 2025).

عقلانیت هنجاری یا اخلاقی بر رعایت ارزش‌ها و مشروعیت روش‌های دستیابی به اهداف تأکید دارد. در این نوع عقلانیت، معیار تصمیم‌گیری، «ادای بهینه تکلیف» است و تصمیمات باید با عدالت، انصاف و تناسب همراه باشد. در مواقع تزاخم میان عقلانیت اخلاقی و عقلانیت ابزاری، تقدم با عمل به تکلیف است، حتی اگر منافع مادی کمتر باشد (ابوالقاسم زاده، ۱۴۰۱). بر این اساس، عدالت و ظلم‌ستیزی به‌عنوان جوهره اندیشه انقلاب اسلامی و شاه‌بیت حکمرانی دینی مطرح شد، چراکه گسترش عدالت، زمینه‌ساز حکمرانی فراگیر و پایدار است.

«عقلانیت ابزاری» بر حداکثر سازی کارایی و اثربخشی از طریق انتخاب بهینه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه‌حل‌ها تمرکز دارد. عقلانیت ابزاری در چهارچوب نظریه «انتخاب عقلانی»^۱ و با «تحلیل هزینه و فایده»^۲ انجام می‌شود و معیار عقلانیت، موفقیت در کسب نتایج مطلوب است (Raz, 2005, pp. 1-28). انقلاب اسلامی نیز با الهام از همین منطق، در برابر استبداد، استعمار و عقب‌ماندگی، شعار آزادی، استقلال و پیشرفت را مطرح کرد و بر سیاست تعامل سازنده و احترام متقابل با دیگر کشورها تأکید ورزید.

«عقلانیت انتقادی»^۳ به معنای توانایی بازاندیشی و نقد مفروضات ذهنی و اجتماعی برای تحقق رهایی انسان است. این نوع عقلانیت از تمایل ذاتی انسان به رهایی از قیود و سلطه ناشی می‌شود و هدف آن، ایجاد تحول و دستیابی به خودآگاهی، تعالی و شرایط اخلاقی متعالی است (Popper, 1972, pp. 21-22; Bhaskar, 1989). بر این اساس، حکمرانی اسلامی باید ظرفیت نقد و اصلاح مستمر خود را داشته باشد تا از جمود فکری و استبداد ساختاری جلوگیری کند و مسیر تعالی و رشد جامعه را هموار سازد. «عقلانیت ارتباطی»^۴ بر گفت‌وگو، مفاهمه و تعامل میان کنشگران اجتماعی تأکید دارد. این نوع عقلانیت معطوف به درک متقابل و توافق بینا ذهنی است و از کنش ارتباطی انسان‌ها برای دستیابی به وفاق اجتماعی سرچشمه می‌گیرد (Habermas, 1984;)

^۱ Instrumental rationality

^۲ Rational Choice

^۳ Cost & Benefit Analysis

^۴ Critical rationality

^۵ Communicative rationality



72-62). (Feteris, 1999, pp. 62-72). در اندیشه حکمرانی جمهوری اسلامی، گفت‌وگو و تفاهم، زیربنای مردم‌سالاری دینی و یکی از ارکان مشروعیت نظام سیاسی به شمار می‌آید. ویلکینسون (۲۰۱۳) در تحلیل خود از اسلام، این نوع عقلانیت را مبنای «رنالیسم انتقادی اسلامی» معرفی می‌کند که میان ساختار و کارگزار، توازن برقرار می‌سازد (Wilkinson, 2013, pp. 419-442).

«عقلانیت اقتضایی»^۱ نیز به معنای در نظر گرفتن محیط مکانی، فضای زمانی و شرایط موقعیتی و خردورزی متناسب با شرایط و زمینه‌های مکانی و زمانی در ساختار فضای دیالکتیک روابط بین‌الملل و به‌طور کلی اهتمام به عوامل زمینه‌مند^۲ است (Jordan & Howard-Snyder, 1996, pp. 75-79).

بدین ترتیب، عقلانیت موسع در الگوی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران بیانگر دربرگیرندگی انواع عقلانیت‌های غایی، هنجاری، ابزاری، انتقادی، ارتباطی و اقتضایی با هدف فعلیت یافتن خردورزی و بلوغ فکری هدفمند انسان برای تبدیل عقلانیت از قوه به فعل با توجه به الگوهای زمانمند، زمینه‌مند و ناظر به شرایط متحول تاریخی است.

۳-۵. الگوی حکمرانی ترکیبی و چندوجهی؛ تلفیق انتخاب مردمی و انتصاب نخبگان

الگوی حکمرانی ترکیبی و چندوجهی در جمهوری اسلامی ایران کوششی است برای پاسخ به دو پرسش بنیادین فلسفه سیاسی: «چه کسی باید حکومت کند؟» (افلاطون) و «چگونه باید حکومت کرد؟» (ماکیاولی). این الگو می‌کوشد میان انتخاب عمومی و گزینش نخبگان واجد شرایط تلفیق ایجاد کرده و از طریق ترکیب بردارهای عمودی و افقی، ساختاری پویا، عقلانی و ارزشی برای اداره جامعه فراهم آورد (استریکلند و جانسون، ۱۳۹۷: ۱۵).

در بردار عمودی، حکمرانی متعالیه بر محور رهبری فقیه جامع‌الشرایط و التزام به ارزش‌های الهی استوار است. رهبری با اتکا به علم، عدالت، شجاعت، درک شرایط زمان، قدرت تحلیل جهانی و توان مدیریتی، وظیفه هدایت جامعه به سوی اهداف کلان دینی و تحقق سعادت شهروندان را بر عهده دارد (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۴۹). این رهبری با انتصاب کارگزاران صالح و کارآمد، نظم سیاسی را برقرار ساخته و اقامه دین را در لایه‌های

^۱ Circumstantial (or Contingent) rationality

^۲ Contextual

مختلف جامعه ممکن می‌سازد. از دیدگاه امام خمینی، رهبری در سه حوزه «تبیین، هدایت و اجرا» عمل کرده و تشخیص مصالح سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه را بر اساس مصلحت امت اسلامی بر عهده دارد.

الگوی حکمرانی ترکیبی از نظر شیوه حکومت‌داری، تلاش دارد بین انتخاب و گزینش انتصابی نوعی هم‌افزایی و ترکیب برقرار سازد. در این الگو، گزینش و انتخاب مکمل یکدیگرند: رویکرد انتخاب با برگزاری انتخابات^۲ و مشارکت عمومی تحقق می‌یابد؛ اما انتصاب بر مبنای کفایت و پاک دستی برای تحقق عدالت اجتماعی انجام می‌شود. فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی مبتنی بر «انسان خدامحور» است؛ انسان‌هایی که با رعایت اخلاق و ارزش‌های الهی، زیست جمعی خود را سامان می‌دهند؛ بنابراین، حکمرانی باید بر پایه باورمندی، اعتماد جمعی، مشارکت و انتخاب افراد متخصص و متعهد شکل گیرد، چراکه انتصاب افراد ناصالح سبب انحراف در نظام می‌شود. افزون بر این، الگو بر چرخش نخبگان و تعامل سازنده حکومت با بخش خصوصی و تعاونی تأکید دارد. ساختار حکمرانی باید به سه بخش صنعتی، کشاورزی و خدمات توجه داشته باشد و با تلفیق اهداف اقتصادی، امنیتی و فرهنگی، میان سنت و مدرنیته و نیز ارزش‌های عرفی و دینی توازن برقرار سازد.

در بردار افقی، الگوی حکمرانی جمهوری اسلامی بر تعامل سطوح مختلف حکمرانی (محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) و همکاری بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تأکید می‌کند. حکمرانی چند سطحی بر مؤلفه‌هایی مانند عقلانیت، عدالت، معنویت، آزادی، استقلال، پاسخ‌گویی و اعتماد عمومی استوار است. در این چهارچوب، گفت‌وگوی اجتماعی میان حاکمیت و اقوام، مناطق و نهادهای مدنی به هماهنگی در سطوح مختلف منجر می‌شود. نوآوری امام خمینی در این زمینه، پیوند مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی است؛ به گونه‌ای که هرچند ناکارآمدی مشروعیت را از بین نمی‌برد، اما کاربست ارزش‌های دینی توسط کارگزاران موجب تحقق کارآمدی و بروز دین در عرصه سعادت دنیوی و اخروی جامعه می‌شود.

حکمرانی متعالی علاوه بر شاخص‌های حکمرانی مطلوب مانند مشارکت، شفافیت، قانون‌گرایی و پاسخ‌گویی، بر اصولی فراتر چون عدالت، قسط و سعادت انسانی به‌عنوان هدف غایی انبیاء تأکید دارد. در این مسیر، انقلاب اسلامی با دعوت به حکمرانی معنوی و ارزش‌مدار می‌کوشد پیوند دین و سیاست، استقلال و نفی سلطه، مردم‌سالاری دینی

^۱ Selection

^۲ Election



و عدالت اجتماعی را تحقق بخشد. از دیدگاه امام خمینی، کارآمدی جمهوری اسلامی در گرو برنامه‌ریزی منظم و مبتنی بر شناخت کامل از انسان و نیازهای روحی، روانی و مادی اوست. شاخص‌هایی چون توحیدمحوری، ولایتمداری، حق‌مداری، فضیلت‌گرایی، عدالت، آزادی و عقلانیت عناصر اصلی کارآمدی در حکمرانی عادلانه به شمار می‌روند. به باور ایشان، حکومت اسلامی مترادف با حکومت عدالت است و تحقق آن نیازمند سازمان و تشکیلاتی است که عدالت در همه ابعاد آن جاری باشد؛ از قانون‌گذاری تا اجرا و نظارت (صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۱۰۹).

در نهایت، الگوی حکمرانی ترکیبی جمهوری اسلامی تلاشی است برای ترکیب مشروعیت دینی و کارآمدی اجتماعی از طریق تعامل عمودی رهبری و افقی نهادهای مردمی. این الگو با اتکا به ارزش‌های الهی، عقلانیت و اخلاق، بر پیوند سنت و مدرنیته، وحدت امت اسلامی و تحقق عدالت، رفاه، معنویت و سعادت دنیوی و اخروی مردم تأکید دارد.

۴-۵. الگوی حکمرانی تاب‌آور: پیوند میان درون‌گرایی و برون‌گرایی

الگوی حکمرانی تاب‌آور یا تاب‌مند تلاش دارد تا بین دوگانه «درون‌گرایی»^۱ و «برون‌گرایی»^۲ پیوند برقرار سازد. «درون‌گرایی» که با راهبرد «انزواطلبی»^۳ همپوشی قابل‌توجهی دارد (سیف زاده، ۱۳۸۹: ۳۷۵)، بیشتر ناظر به ترجیح درون بر برون یا اولویت‌بخشی به حفظ ساختارهای سیاسی و اقتصادی داخلی از دست‌اندازی‌های بیگانگان است. درون‌گرایی، در معنای سلبی، به معنای فرو خزیدن کشور در لاک خود و اتکای انحصاری به منابع و امکانات و ظرفیت‌های داخلی به دلیل جلوگیری از بهره‌کشی کشور توسط قدرت‌های استعماری است. درون‌گرایان معتقدند که باید از تعامل با جهان خارج خودداری کرد تا به «خودبستگی»^۴ رسید. این رویکرد عملاً به‌نوعی انزوای اقتصادی و «اقتصاد ریاضتی» منجر می‌شود. درون‌گرایی در معنای سلبی آن به معنای بسته شدن مرزها، قطع روابط با دنیای بیرون و نفی تعامل با جهان خارج است (Renouvin, 1991, pp. 442-444).

۱ Introversionism
 ۲ Extraversionism
 ۳ Isolationism
 ۴ Autarky

در مقابل، برون‌گرایی بر تعامل فعال با جهان خارج تأکید دارد. برون‌گرایان خواستار گشودگی مرزها و «سیاست درهای باز»^۱ برای تقویت روابط اقتصادی، بهره‌گیری از فناوری‌های جهانی و حضور فعال در صحنه بین‌المللی هستند (Handel, 1981, p. 44). سیف‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۷۷). تجربه کشورهایمانند آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم و چین پس از مائو نشان می‌دهد که برون‌گرایی می‌تواند رشد اقتصادی و تقویت جایگاه بین‌المللی کشورها را فراهم کند؛ اما منتقدان هشدار می‌دهند که این سیاست ممکن است منجر به وابستگی اقتصادی و تسلط کالاهای خارجی بر بازار داخلی شود (دهشیری، ۱۳۷۸: ۱۳؛ ساعی، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

رهبر معظم انقلاب با معرفی اقتصاد مقاومتی، راهکار ترکیب درون‌گرایی و برون‌گرایی را ارائه کرده‌اند: اقتصاد مقاومتی مبتنی بر «برون‌گرایی درون‌زا و دانش‌بنیان» است. در این رویکرد، ابتدا بنیه اقتصادی داخلی با تکیه بر تولید کالای ایرانی و ظرفیت‌های داخلی تقویت می‌شود و سپس تعامل سازنده با جهان خارج برقرار می‌گردد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱). منظور از درون‌زایی بهره‌برداری حداکثری از منابع داخلی برای ایجاد ثبات و رشد اقتصادی است، درحالی‌که برون‌گرایی ایجابی موجب گسترش همکاری‌ها و مبادلات اقتصادی با دیگر کشورها می‌شود (دهشیری، ۱۳۷۸: ۱۷-۲۳). ترکیب این دو رویکرد، هویت رقابتی کشور را ارتقا می‌دهد و از انزوا یا وابستگی بی‌رویه جلوگیری می‌کند.

از نظر رهبری، اقتصاد مقاومتی علاوه بر تمرکز بر ظرفیت‌های داخلی، تعامل فعال با اقتصاد جهانی را نیز دنبال می‌کند. این تعامل، بر اساس احترام متقابل، رعایت ارزش‌های انسانی و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها است و هدف آن افزایش سرمایه‌گذاری بلندمدت و تبدیل تفاهم‌نامه‌ها به قراردادهای عملی و حقوقی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۳/۰۱/۰۱).

در عرصه داخلی، حکمرانی تاب‌آور و درون‌زا با تأکید بر توسعه پایدار و عادلانه، ظرفیت تاب‌آوری جامعه را در برابر مخاطرات و شوک‌های برون‌زا افزایش می‌دهد. این الگو بر کاهش وابستگی به خارج، مشارکت دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی و فعال‌سازی ظرفیت‌های نهادی غیررسمی برای ارائه خدمات عمومی تأکید دارد. تاب‌آوری از پایین به بالا، دیالوگ اجتماعی بین حکمرانی و گروه‌ها، اقوام و مناطق حاشیه‌نشین و تعامل مستمر با ظرفیت‌های محلی و قومی، از ارکان اصلی آن است.

^۱Open door policy



همچنین، حکمرانی تاب‌آور مبتنی بر پیوند سنت و مدرنیته، تطبیق ارزش‌های عرفی و دینی، شفافیت، انتقادپذیری و رعایت انصاف و عدالت است. این الگو تلاش دارد تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی و ایجاد تعامل هوشمندانه با جهان خارج، نه تنها اقتصاد و سیاست کشور را مقاوم و پایدار سازد، بلکه توسعه همه‌جانبه، تاب‌آوری اجتماعی و ارتقای جایگاه ایران در نظام بین‌الملل را نیز ممکن کند.

در نتیجه، الگوی حکمرانی تاب‌آور جمهوری اسلامی ایران، مدلی است که با ترکیب درون‌گرایی ایجابی و برون‌گرایی ایجابی، اقتصاد مقاومتی، سیاست خارجی توسعه‌گرا و حکمرانی مشارکتی داخلی، ضمن افزایش تاب‌آوری کشور در برابر بحران‌ها، مسیر تحقق اهداف ملی، توسعه اقتصادی پایدار و ارتقای رقابت‌پذیری بین‌المللی را هموار می‌سازد. این رویکرد هم‌زمان امنیت اقتصادی، استقلال ملی و بهره‌وری از ظرفیت‌های داخلی را با تعامل هوشمندانه با جهان تلفیق می‌کند و چهارچوبی منعطف و تاب‌آور برای حکمرانی جمهوری اسلامی فراهم می‌آورد.

۵-۵. الگوی حکمرانی تمدن‌گرا و دانش‌بنیان؛ توازن میان فرهنگ، علم و

سیاست

جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تمدنی در حکمرانی در پی تحقق تمدن نوین اسلامی است، زیرا معتقد است بعد از امت، تمدن مهم‌ترین بازیگر در عصر جهانی‌شدن است و تمدن‌ها برای تسهیل تبادلات فرهنگی و توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باید با یکدیگر ارتباط داشته باشند. تمدن نوین اسلامی با بنیادهای خردورزی، خودباوری، علم‌آموزی و اخلاق‌مداری، به الگویی حکومتی فرهنگ پایه با تأکید بر قدرت نرم فرهنگی، تمدنی و ارتباطی اهتمام دارد و نیازمند احیای هویت اسلامی با رویکرد شبکه محور، توسعه‌گرا و خوشه‌ای در سطوح مختلف است (الویری و کریم‌زاده، ۱۴۰۱: ۳۵-۶۴).

تمدن‌اندیشی دینی مبتنی بر دین بنیاد بودن، اخلاق‌مداری، معنویت، کرامت انسانی، خردباوری، علم‌محوری، عدالت‌خواهی، نواندیشی، انعطاف‌پذیری، تکثرپذیری و غرب‌پژوهی است. این رویکرد، هویتی ایجابی از مسلمانان ارائه می‌دهد که بر اثبات داشته‌های خود و نه نفی دیگران استوار است و با بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی و سیاست‌های نمادین، اهرمی و پاسخ‌گو، اهداف انقلاب اسلامی را در سطح فرامرزی پیش می‌برد.

❖ ویژگی‌های الگوی حکمرانی تمدن‌گرا

۱. قدرت نرم و فرهنگ‌گرایی: تمرکز بر غنای فرهنگی و زیرساخت‌های معرفتی؛
 ۲. رویکرد متوازن و چندوجهی: هم‌افزایی میان حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و فناوری‌های نوین (تکنوپلیتیک)؛
 ۳. تعادل نظریه و عمل: تولید دانش و نظریه برای تصمیم‌گیری عمل‌گرایانه، نوآورانه و واقع‌بینانه؛
 ۴. رویکرد طیفی و شمول‌گرا: پرهیز از دو قطبی‌سازی، توجه به نقاط اشتراک و تنوعات تمدنی، تقویت پیوندها و تعاملات فرهنگی-تمدنی؛
 ۵. خود اثباتی به‌جای انکار دیگران: تأکید بر داشته‌ها و ذخایر تمدنی داخلی؛
 ۶. انفتاح در برابر سایر تمدن‌ها: تعامل هوشمندانه و گفت‌وگوی منطقه‌ای و جهانی؛
 ۷. وحدت در عین کثرت: حفظ ارزش‌های مشترک و احترام به تفاوت‌های فرهنگی برای تبادل فرهنگی و تعامل تمدنی؛
 ۸. هارمونی ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر: بهره‌گیری از فناوری و تحقیق و توسعه برای افزایش قدرت و منزلت کشور در محیط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛
 ۹. تقویت سرمایه اجتماعی: توجه به امنیت، رفاه، مشارکت و اعتماد عمومی و مردم‌سالاری دینی در حکمرانی چندلایه.
- در این الگو، ساختار دانش‌بنیان پایدار جایگاه ویژه‌ای دارد؛ دولت از فضای تصدی‌گری به حوزه تنظیم‌گری منتقل می‌شود و کوچک‌سازی دولت، هماهنگی با تغییرات جهانی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین را دنبال می‌کند. این ساختار امکان تدوین سیاست‌های نوآورانه، تقویت اقتصاد رقابتی و افزایش تاب‌آوری در برابر شوک‌های محیطی را فراهم می‌آورد.
- حکمرانی دانش‌بنیان زمینه را برای شبکه‌ای، پویا و علمی شدن تصمیم‌گیری‌ها فراهم می‌کند و با تحلیل داده‌ها، برنامه‌ریزی آینده‌نگر و مدل‌سازی سناریو، پیش‌بینی روندها و کاهش ریسک‌های محیطی و اقتصادی ممکن می‌شود (UNDP, OECD, 2021؛ Hossin et al., 2023؛ ۲۰۲۱). مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری، تقویت زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی و ایجاد مکانیسم‌های مستقل نظارت و پاسخ‌گویی، تاب‌آوری و شفافیت را افزایش می‌دهد (World Bank, 2019؛ Transparency Foundation, 2022؛ Demir, 2022).



استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، بلاک‌چین و اینترنت اشیا، حمایت از تحقیقات میان‌رشته‌ای و نوآوری، موجب ارتقای توانایی نظام سیاسی در حل مسائل پیچیده مانند تغییرات اقلیمی و توسعه پایدار می‌شود (Inshakova & Armellini & Martinez-Roig, 2024؛ Inshakova, 2022, pp. 3-14).

بر اساس چنین الگویی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رویکرد تعامل مؤثر، متوازن، هوشمند و پویا دارد و از دیپلماسی اقناعی، بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی و منطقه‌ای، تقویت دیپلماسی علم و فناوری و توسعه استارت‌آپ‌ها با خلاقیت و نوآوری برای ایجاد سرمایه‌های جدید استفاده می‌کند.

۶-۵. الگوی حکمرانی اقتضایی، روزآمد و کارآمد؛ تعامل نقادانه با جهانی‌شدن

جمهوری اسلامی ایران الگویی روزآمد و مدرن از حکمرانی را منطبق با شرایط نوین جهانی عرضه کرده که بنیاد آن بر سازگاری با مدرنیته و نفی مدرنیسم استوار بود. مدرنیته به معنای مظاهر پیشرفت و نوآوری است و یک روش است که می‌تواند با اندیشه اسلامی هم‌خوانی داشته باشد. امام خمینی در نطق تاریخی خود در بهشت‌زهرا^(س) فرمودند: «ما با سینما مخالف نیستیم، ما با مرکز فحشا مخالفیم. ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم» (امام خمینی، بیانات، ۱۳۵۷/۱۱/۱۲؛ صحیفه امام خمینی، ج ۶: ۱۵) یعنی در واقع الگوی حکمرانی در انقلاب اسلامی با ابزارهای نوین ارتباطی مشکلی ندارد؛ اما این ابزارها نباید با محتوای فسادانگیز همراه شود؛ اما مدرنیسم در واقع یک ایدئولوژی است که بر بنیادهای سکولاریسم، فردگرایی، پوزیتیویسم، لیبرالیسم، کاپیتالیسم، اومانیزم و تجربیه‌گرایی استوار است. بدین ترتیب انقلاب اسلامی با مدرنیته هم‌خوانی دارد و با مدرنیسم در تقابل است چون مدرنیسم خودش یک اندیشه و ایدئولوژی است.

اکنون در چهارمین موج چهارم معنویت و فرهنگ، جمهوری اسلامی ایران باید با بهره‌گیری از قدرت نرم و با اتکا به ایمان، علم، اخلاص، صداقت، مجاهدت، شجاعت، غیرت، عظمت و نورانیت، پیوند حماسه و عرفان را به منصف ظهور رساند. ایده جامعه دانش‌بنیان دارای ابعاد وسیعی دارد. در تعریف جامعه دانش‌بنیان، توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوامع ضروری است. با این‌وجود برخی ویژگی‌ها اصلی و عام جوامع دانش‌بنیان شمرده می‌شود. هر جامعه توان دانش بالقوه دارد و با تحقق ظرفیت‌های آن مسیر خود را به سوی جامعه‌ای دانش‌بنیان می‌گشاید.

انقلاب اسلامی ایران به این نتیجه رسید که می‌تواند از ابزارهای جهانی شدن مانند فضای مجازی و قدرت شبکه‌سازی فعال و سرعت عمل در اطلاع‌رسانی و روایت‌سازی خردورزانه برای تبیین دیدگاه‌های روزآمد، عملی و جذاب خود استفاده کند تا بتواند مخاطبان خود را جذب کند. عصر جهانی‌شدن عصری است که در آن مدیریت زمان و مدیریت تحول از اهمیت بالایی برخوردار است؛ هرچقدر سرعت عمل بالا باشد میزان موفقیت بالاتر است؛ بنابراین انقلاب اسلامی تلاشش بر این است که بتواند در عصر فشردگی زمان و مکان، متناسب با سرعت تحولات، سرعت عمل داشته باشد. در این رهگذر، برای مدیریت تحول، نیازمند برنامه‌ریزی، آینده‌نگری و سناریوپردازی است. در عرصه بین‌المللی، منطق حکمرانی در عصر جهانی - محلی شدن^۱ و در فضای جهان چندبُعدی و پیچیده آید. اینجاست که با توجه به کشمکش و همزیستی توأمان فضای مکان‌ها و فضای جریان‌ها، ترکیبی از اهداف، اولویت‌ها و مبانی بر اساس دیالکتیک تنافع (نفع - نفع) مد نظر قرار بگیرد. این رویکرد موجب افزایش آلترناتیوها، گسترش فرصت‌ها، ایجاد کثرت در منابع واردات و صادرات و سرمایه‌گذاری، تنوع منابع، کاهش ریسک و مخاطرات، تنوع استراتژی‌های تأمین منافع و امنیت ملی و وسیع‌تر کردن دواپر تحرک و اثرگذاری در روابط خارجی می‌شود.

در جهان در حال گذار کنونی که با ویژگی‌هایی از قبیل پیچیدگی، هم‌پیوندی فزاینده، وابستگی متقابل اقتصادی، همزیستی فضای مکان‌ها و فضای جریان‌ها و تنوع بازیگران شناخته می‌شود، اساس انقلاب اسلامی بر تقدم اندیشه بر ابزار استوار است. این ابزار است که در خدمت اندیشه قرار می‌گیرد و گرنه، خود ابزار اصالت ندارد؛ اما بهره‌گیری از ابزارهای مدرن می‌تواند انقلاب اسلامی را در اشاعه اندیشه مترقی خودیاری رساند تا بتواند با تکیه بر قدرت نرم بر رفتار دیگران تأثیر بگذارد و تصویر مناسبی از خود ارائه دهد و گفتمانی را عرضه دارد تا بتواند به‌وسیله آن به فرهنگ‌سازی، الگوسازی و هنجار سازی مبادرت ورزد. در چنین حکمرانی، انقلاب اسلامی یک نوع تعامل نقادانه را در قبال جهانی‌شدن در پیش گرفته است. در عین این‌که با جهان تعامل می‌کند ولی به‌نقد شرایط و ویژگی‌های نظام بین‌المللی می‌پردازد. بنابراین یک نوع فرایند دیالکتیکی وحدت‌گرایی آرمانی در عین کثرت‌گرایی روشی را برای ارائه مدرنیته آلترناتیو از سوی جمهوری اسلامی شاهد هستیم.

^۱ Globalization

^۲ Multiplex (Multiple & Complex) World



۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با عنایت به آنچه گذشت، مشخص شد که حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس یک مدل متوازن، مشارکتی و عقلانی شکل گرفته است که بر چهار بعد اصلی کارگزار، مردم، ایده حکمرانی و ساختار تکیه دارد. این الگوی حکمرانی، مبتنی بر اصول اخلاق محور، ارزش مدار، شایسته‌سالار و قانونمند، تلاش دارد فرایند اداره جامعه را با تأکید بر عدالت، معنویت، خردورزی و مصلحت‌اندیشی پیش ببرد و تعامل سازنده بین مردم و حاکمیت را تقویت کند. این رویکرد شامل الگوی حکمرانی مشارکتی با پیوند دین و دموکراسی، الگوی عقلانی مبتنی بر مؤلفه‌های عقلانیت موسع، الگوی ترکیبی و چندوجهی با تلفیق انتخاب مردمی و انتصاب نخبگان، الگوی تاب‌آور با پیوند میان درون‌گرایی و برون‌گرایی، الگوی تمدن‌گرا و دانش‌بنیان با توازن میان فرهنگ، علم و سیاست و الگوی اقتضایی، روزآمد و کارآمد با تعامل نقادانه با جهانی شدن است. جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از این مدل‌ها و ارائه الگویی چندوجهی، پویا و شبکه‌ای، توسعه همه‌جانبه کشور را در سطوح داخلی و بین‌المللی دنبال می‌کند و ضمن استفاده از ظرفیت‌های تاریخی، فرهنگی و انسانی، به ارتقای رفاه، عدالت اجتماعی و جایگاه ایران در جامعه بین‌المللی اهتمام ویژه دارد.

۶-۱. پیشنهادها

در همین زمینه و برای ارتقای کارآمدی و نوآوری در الگوی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، پیشنهاد می‌شود محورهای زیر مورد توجه قرار گیرند:

۶-۱-۱. برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی

حکمرانی نوین نیازمند برنامه‌ریزی جامع، بلندمدت و پیش‌کنشی است که با شناخت دقیق ظرفیت‌ها و سرمایه‌های ملی و مدیریت بهینه منابع، مشکلات و چالش‌ها را پیش از وقوع پیش‌بینی کرده و راهکارهای مقابله با آن‌ها از قبل طراحی شود. این برنامه‌ها باید با در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی طراحی شده و تضمین‌کننده هماهنگی اقدامات با ارزش‌ها و هنجارهای ملی باشند.

۲-۱-۶. شفافیت، پاسخ‌گویی و مشارکت مردمی

ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی، همراه با شایسته‌سالاری و نظارت مستمر، ستون‌های اصلی حکمرانی نوین هستند. ایجاد فضای گفتگوی ملی، بهره‌گیری از خرد جمعی و روایت‌سازی ایجابی از طریق رسانه‌ها و نمادهای ملی و دینی، اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند و زمینه مشارکت فعال شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری را فراهم می‌آورد.

۳-۱-۶. توسعه قدرت حکمرانی و ظرفیت‌های انسانی

حکمرانی کارآمد نیازمند تقویت مؤلفه‌های سخت و نرم قدرت است؛ مؤلفه‌های سخت شامل فناوری‌های نوین، منابع انسانی متخصص و زیرساخت‌های کلیدی و مؤلفه‌های نرم شامل قدرت گفتمانی، شبکه‌سازی و هنجار سازی می‌شوند. سرمایه‌گذاری در توسعه نیروی انسانی، آموزش مهارت‌های تخصصی و ارتقای آگاهی سیاسی و فرهنگی جامعه، زیربنای حکمرانی هوشمند و تصمیم‌گیری داده محور است.

۴-۱-۶. حکمرانی هوشمند و فناوری محور

استفاده از فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، به دولت امکان می‌دهد روندها و بحران‌ها را پیش‌بینی و تحلیل کند و تصمیم‌گیری‌ها را دقیق، شفاف و کارآمد سازد. رویکرد داده محور و بهره‌گیری از کلان داده‌ها و الگوریتم‌های پیشرفته، ظرفیت برنامه‌ریزی بلندمدت و مدیریت منابع را افزایش داده و زمینه تحقق حکمرانی مبتنی بر خرد جمعی، نوآوری و انعطاف‌پذیری را فراهم می‌کند.

۵-۱-۶. تعاملات ملی و بین‌المللی و توسعه پایدار

حکمرانی نوین نیازمند تقویت انسجام داخلی و ارتقای تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی است. اجماع‌سازی نخبگانی، گفتگوی میان گروه‌ها و جناح‌ها، توسعه همکاری‌های اقتصادی و فناوری و بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی، ضمن افزایش کارآمدی نظام حکمرانی، ثبات اجتماعی، رفاه عمومی و توسعه پایدار را تضمین می‌کند.

References

- Aboulghasemi Zadeh, M. (2022). *Moral rationality: A philosophical perspective on moral foundations and norms*. Qom: Hozeh and University Research Institute. (in Persian)
- Alviyri, M., & Karimzadeh Sureshjani, S. (2022). The new Islamic civilization and the features of civilization-building language. *Fundamental Studies of New Islamic Civilization*, 5(2), 35–64. (in Persian)
- Arsata, M. J., Dashti, T., & Mostaghemi, M. S. (2019). *Good governance from the perspective of the Holy Quran*. Tehran: Max Andisheh Publications. (in Persian)
- Armellini, A., & Martinez-Roig, R. (Eds.). (2024). *Trends in innovation and interdisciplinary knowledge across educational settings*. Peter Lang.
- Azarbayjani, M., Ahmadi, A., Rafiei Atani, A., Ataollah, A., & Abdolhamid, M. (2023). The governance system model of the Islamic Republic of Iran based on the Second Step of the Islamic Revolution statement. *Danesh-e Siyasi Journal*, 19(1), 1–28. <https://doi.org/10.30497/pkn.2023.243479.3016> (in Persian)
- Barkpour, N., & Asadi, I. (2011). *Urban management and governance*. Tehran: University of Art Publications (2nd ed.). (in Persian)
- Bhaskar, R. (1989). *Reclaiming reality: A critical introduction to contemporary philosophy*. London: Verso.
- Dehshiri, M. R. (1999). Introversion and extroversion in foreign policy from the perspective of Imam Khomeini. *Religion and Communications Quarterly*, 9. <https://elmnet.ir/doc/1145711-37135> (in Persian)
- Demir, F. (2022). Evidence-based policy-making: Merits and challenges. In A. Farazmand (Ed.), *Global encyclopedia of public administration, public policy, and governance*. Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-66252-2_39_1
- Feteris, E. T. (1999). Habermas' theory of communicative rationality. In *Fundamentals of legal argumentation: A survey of theories on the justification* (pp. 62–72). Springer.
- Fukuyama, F. (2013). *What is governance?* Working Paper 314. Washington, DC: Center for Global Development. <https://www.cgdev.org/publication/what-governance>
- Habermas, J. (1984). *The theory of communicative action: Vol. 1: Reason and the rationalization of society*. Boston: Beacon Press.
- Handel, M. (1981). *Weak states in the international system*. London: Frank Cass and Company Limited.

- Hossin, M. A., Du, J., Mu, L., & Asante, I. O. (2023). Big data-driven public policy decisions: Transformation toward smart governance. *SAGE Open*, 13(4). <https://doi.org/10.1177/21582440231102030>
- Imam Khomeini, R. (1979/02/01). *Sahifeh Imam Khomeini*, Vol. 6. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (in Persian)
- Imam Khomeini, R. (1994). *The Islamic Revolution Rituals: Sayings, advices, and wisdoms*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (in Persian)
- Imam Khomeini, R. (2010). *Sahifeh Imam*, Vol. 14. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (5th ed.). (in Persian)
- Inshakova, E. I., & Inshakova, A. O. (2022). *New technology for inclusive and sustainable growth: Perception, challenges and opportunities*. Springer Singapore.
- Jordan, J., & Howard-Snyder, D. (Eds.). (1996). *Faith, freedom, and rationality: Philosophy of religion today*. London: Rowman & Littlefield.
- Kianpour, M. (2013). *Evaluation of the good governance model and proposing components of the Islamic governance model* (Master's thesis). Faculty of Hadith Sciences. (in Persian)
- Kinder, J., & Stewart-Harawira, M. (Eds.). (2018). *Resilient systems, resilient communities*. Edmonton, AB: McCullum Press.
- Khamenei, A. (2014/03/21). *Statements at the Holy Shrine of Imam Reza*. (in Persian)
- Khamenei, A. (2014/05/13). *Statements during the meeting with the people of Ilam Province on the birthday of Imam Ali (AS)*. (in Persian)
- Khamenei, A. (2024/03/21). *Nowruz speech to various segments of the people*. (in Persian)
- McNulty, S., & Wampler, B. (2015). Participatory governance. In *Emerging trends in the social and behavioral sciences* (pp. 1–14). <https://doi.org/10.1002/9781118900772.etrds0107>
- Mirbagheri, M., & Abdi, E. (2022). *Conceptualization of participatory governance*. Tehran: Research Center of the Islamic Parliament, pp. 5–۲۳. (□□ □□□□□□)
- Mo'in, M. (2004). *Mo'in Dictionary*, Vol. 1. Tehran: Boostan-e Towhid and Mahrokh Culture Publications (1st ed.). (in Persian)
- Nobari, N., & Rahimi, M. (2010). *Good urban governance, an undeniable necessity*. Tehran: Center for Urban Studies and Planning Publications (1st ed.). (in Persian)
- OECD. (2021). *Recommendation of the council for agile regulatory governance to harness innovation*. OECD/LEGAL/0464, 06/10/2021. <https://legalinstruments.oecd.org/en/instruments/OECD-LEGAL-0464>
- Popper, K. R. (1972). *Conjectures and refutations: The growth of scientific knowledge*. Routledge and Kegan Paul.

- Raz, J. (2005). The myth of instrumental rationality. *Journal of Ethics & Social Philosophy*, 1(1), 1–28. <https://doi.org/10.2139/ssrn.667702>
- Rangriz, H. (2023). Designing an Islamic governance model based on religious teachings. *Islamic Revolution Research Journal*, 13(46), 1–21. <https://doi.org/10.22084/rjir.2022.26751.3534> (in Persian)
- Renouvin, P., & Duroselle, J.-B. (1991). *Introduction à l'histoire des relations internationales*. Paris: Editions Armand Colin.
- Sa'i, A. (2010). *Political and economic issues of the Third World*. Tehran: SAMT. (in Persian)
- Seifzadeh, H. (2010). *Principles of international relations*. Tehran: Mizan Publications. (in Persian)
- Sharifi Renani, H., Sajadieh Khajouei, F., & Torabi, A. (2013). The role of good governance in attracting tourists: A case study of selected OPEC countries. 1st National Electronic Conference on Iran's Economic Outlook with a Focus on Supporting Domestic Production, Isfahan. <https://civilica.com/doc/260215> (in Persian)
- Sharifian Thani, M. (2001). Citizen participation, urban governance, and urban management. *Urban and Rural Management Quarterly*, 8, Winter. (in Persian)
- Strickland, D., Wade, L., & Johnson, R. (2018). *Introduction to political analysis* (A. Ma'navi, Trans.). Tehran: Agah Publications. (in Persian)
- Sijuwade, J. R. (2025). *The rational ontological argument: Modality, ontology and God*. Bloomsbury Publishing.
- Transparency International. (2022). *Global corruption barometer*. <https://www.transparency.org/en/gcb>
- UNDP. (2021). *Future-proofing governance: Building resilience in a rapidly changing world*. <https://www.undp.org/sites/g/files/zskgke326/files/2022-05/undp-annual-report-2021-v1.pdf>
- Wilkinson, M. (2013). Introducing Islamic critical realism. *Journal of Critical Realism*, 12(4), 419–442. <https://doi.org/10.1080/14767430.2013.821706>
- World Bank. (2019). *Citizen engagement for transparent and accountable governance*. <https://www.worldbank.org/en/topic/citizen-engagement>
- Yaghoubi, E. (2023). Components and indicators of good governance and their review from the perspective of the Quran and Hadith. *Religious Research Quarterly*, 47, 267–293. (in Persian)



سال سی و چهارم، شماره دوم (پیاپی ۱۱۵)، تابستان ۱۴۰۴، صص. ۳۷۷-۴۰۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹
